

## تبیین آثار مقیاس‌های جغرافیایی بر شکل‌گیری پدیده ناحیه‌گرایی در جنوب شرق ایران

دکتر مراد کاویانی راد (دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، نویسنده مسؤول)

kaviani@khu.ac.ir

یدالله آذرخواه (کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

y.azarkhah@gmail.com

عبدالمهدی شیخانی (کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)

m.sheikhiani@gmail.com

### چکیده

ناهمگونی ملی در بعد فرهنگی و سرزمینی شاخصه بسیاری از کشورهاست. تجربیات کشورها در بعد مدیریت ناهمگونی ملی متفاوت می‌نماید؛ به گونه‌ای که هر کدام از آنها متناسب با نوع ناهمگونی برای تقویت پیوستگی سرزمینی و همبستگی ملی، سیاست‌های مختلفی را در پیش می‌گیرند. با این حال، اکثر کشورها به فراخور پهناوری و شمار جمعیت با مقوله ناحیه‌گرایی روبرو هستند که مشروعیت حکومت و گاه دولت را به چالش می‌کشاند. ایران متأثر از موقعیت جغرافیایی‌اش در طی تاریخ دیر پای خود، سرای سکونت گروه‌های زبانی-مذهبی بسیاری بوده است. از این رو، تعامل میان این نواحی از فرهنگ و مدنیت ایرانی، فرهنگی متکثر ساخته است. بلوچستان واقع در جنوب شرق کشور از آن دست نواحی است که به واسطه ناهمگونی‌های زبانی، مذهبی و نیز سطح بهره‌مندی، از شاخصه‌ها و مولفه‌های وجودی لازم برای ناحیه‌گرایی برخوردار است. مقاله حاضر که ماهیتی کاربردی دارد و روش گردآوری اطلاعات آن کتابخانه‌ای است با رویکردی توصیفی-تحلیلی به تبیین اثرات مقیاس‌های جغرافیایی در ابعاد جهانی، منطقه‌ای، ملی، ناحیه‌ای و محلی بر شکل‌گیری پدیده ناحیه‌گرایی در جنوب شرق ایران پرداخته است. نتیجه پژوهش نشان داد که شکل‌گیری ناحیه‌گرایی در بلوچستان متأثر از مقیاس‌های متعدد جغرافیایی است که هر کدام به شکلی متمایز ظهور این پدیده را در این ناحیه به دنبال داشته‌اند. از این رو، این مقیاس‌ها از رهگذر ابزارهای رسانه‌ای، حمایت‌های مالی و ایدئولوژیک برخی کشورهای منطقه، وجود برخی محدودیت‌ها برای مشارکت کامل سیاسی-اجتماعی، ناکارآمدی نظام توزیع، تعارض منافع هویت‌های ناحیه‌ای، بعد مسافت و ناهمگونی مذهبی مواردی هستند که در مقیاس‌های مختلف زمینه بروز ناحیه‌گرایی مذهبی را در این بخش از کشور فراهم کرده است.

کلیدواژه‌ها: مقیاس‌های جغرافیایی، ناحیه، ناحیه‌گرایی، ایران، بلوچستان.

## ۱- مقدمه

ناهمگونی فضایی در قالب تمایز سرزمینی و فرهنگی شناسه بیشتر کشورهای امروزی است و این ناهمگونی به فراخور شمار جمعیت و پهناوری کشورها گستره و ژرفای متفاوتی دارد. تمایزات یاد شده در چهار چوب کشورها زمینه پیدایش نواحی جغرافیایی مختلف با مطالبات گوناگونی ناحیه گرایان بوده است. از زمان پیدایش کشور- ملت‌ها تاکنون حکومت به عنوان میانجی سرزمین و ملت کوشیده‌اند از رهگذر تقویت نیروهای مرکزگرا و تضعیف نیروهای مرکزگریز، همبستگی ملی و پیوستگی سرزمینی را ماندگار کنند. از آن زمان نیز متناسب با ناهمگونی‌های یاد شده مدیریت سیاسی فضا در چهارچوب طیفی از حکومت یکپارچه و فدرال نمود یافته است. متأثر از رشد و گسترش فناوری‌ها، رسانه‌ها، سطح سواد و آگاهی و دسترسی به این زیرساخت‌ها و افزایش مراددات، ساکنان نواحی جغرافیایی از مقیاس‌های مختلف جغرافیایی (محلی، ناحیه‌ای، ملی، منطقه‌ای و جهانی) اثر می‌پذیرند که این اثرگذاری و اثرپذیری توان حکومت‌ها برای حفظ همبستگی ملی و پیوستگی سرزمینی را به چالش کشانده است. در این میان، جغرافیای سیاسی در چهارچوب ادبیات ناحیه‌گرایی کوشیده است به تبیین تعاملات و پیامدهای یاد شده بر همبستگی ملی و پیوستگی سرزمینی بپردازد. بی‌گمان، بروز رخداد‌های ناحیه‌گرایانه در هر کشور تابعی از اثرپذیری این نواحی، از مقیاس‌های جغرافیایی \_ از محلی تا کروی \_ است. از این رو، تحلیل آن‌ها نیازمند واکاوی پیامدهای مقیاس‌های جغرافیایی بر شکل‌گیری پدیده ناحیه‌گرایی در کشورهاست. به هر روی، ناحیه‌گرایی نشان‌دهنده نارضایتی ساکنان نواحی نسبت به تداوم وضعیت موجود است که طیفی از ناحیه‌گرایی فرهنگی تا سیاسی را پوشش می‌دهد و در کلیت خود مشروعیت حکومت و دولت را تهدید می‌کند (kavianirad, 2010: 79). امروزه طیف گسترده‌ای از کشورها با پدیده ناحیه‌گرایی و واگرایی سرزمینی مواجه‌اند؛ چنانکه در سال ۲۰۰۸ نزدیک به پنجاه گروه قومی در جهان به صورت فعال در پی دستیابی به جدایی، استقلال و یا کسب خود مختاری از دولت مرکزی برآمدند (karimipour & mohammadi, 2009: 16) در این میان، ایران نیز با طیفی از مسائل ناحیه‌ای و ناحیه‌گرایی رو به رو است. امروزه ایران از سویی در شمار دولت‌های بیست و پنجگانه «سرزمین پهناور» است که با طیفی از

ناحیه‌گرایی مواجهه‌اند (Cottom, 1979: 132). طی دو سده اخیر متاثر از تحولات نظام جهانی، مقوله علت وجودی و پیدایش دولت مدرن در ایران و تعریفی که از علت وجودی، عناصر همگرا و واگرا در همبستگی ملی بدست داده است برخی نواحی همبستگی ضعیف‌تری را به نمایش گذارده‌اند که نتیجه آن بروز برخی کنش‌های ناحیه‌گرایانه در قالب زبان و مذهب بوده است. جنوب شرق ایران از آن دست نواحی است که متأثر از برخی شناسه‌های فرهنگی و جغرافیایی به همراه تأثیرپذیری از تحولات فکری و سیاسی در شبه قاره هند و دو کشور بحران زده پاکستان و افغانستان، دست کم طی یک دهه اخیر عرصه کنش برخی جریان‌های ناحیه‌گرای مذهبی بوده که نتیجه آن بروز اقدامات تروریستی و چالش‌های امنیتی در استان سیستان و بلوچستان بوده است. ناحیه بلوچستان به عنوان بخشی از استان سیستان و بلوچستان به واسطه تمایز مذهبی، فاصله جغرافیایی نسبت به مرکز، همسایگی با دو کشور فقیر و بحران زده افغانستان و پاکستان، همسایگی با کانون اصلی کشت تریاک در جهان و به تبع آن قرارگرفتن در گذرگاه‌های اصلی عبور و ترانزیت مواد مخدر، پیوستگی سرزمینی قومی بلوچ میان سه کشور ایران، پاکستان و افغانستان و کنش‌های گسترده میان آن‌ها، فقر و محرومیت اقتصادی در مقایسه با سایر فضاها ملی، ساختار طایفه‌ای، تنگناهای طبیعی و فعالیت گروه‌های تروریستی بنیادگرا دست کم طی یک دهه اخیر با طیفی از رخدادهای ناحیه‌گرایانه مواجه بوده است. مقاله حاضر بر این فرض استوار است که پدیده ناحیه‌گرایی مذهبی در جنوب شرق ایران برآیند اثرات مقیاس‌های جغرافیایی - جهانی، منطقه‌ای، ملی، ناحیه‌ای و محلی است.

## ۲- روش تحقیق

تحقیق حاضر نوعاً کاربردی است و روش شناسی حاکم بر آن ماهیتی توصیفی - تحلیلی دارد. محقق در این پژوهش به دنبال واکاوی پیامدهای مقیاس‌های جغرافیایی بر شکل‌گیری پدیده ناحیه‌گرایی در جنوب شرق ایران است و کوشیده با گردآوری و بررسی داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز پژوهش از طریق منابع کتابخانه‌ای، پایگاه‌های اینترنتی و مصاحبه، تجزیه و تحلیلی واقعیت‌ناز از پدیده ناحیه‌گرایی در جنوب شرق ایران ارائه دهد.

## بنیادهای نظری پژوهش

۳- مقیاس<sup>۱</sup> در جغرافیا

مقیاس به عنوان یکی از مفاهیم بنیادی جغرافیا به سطح یا تعدادی از سطوح باز نمایی<sup>۲</sup>، تجزیه و تحلیل، سازماندهی رویدادها و فرآیندهای جغرافیایی دلالت می‌کند (smith, 2000: 724). مقیاس، بازنمایی واقعیت و گاه سطح تجزیه نیز نامیده می‌شود (mirhaider & zaki, 2004: 7). جغرافیا با مقیاس-های متعددی در ارتباط است. به طور سنتی مقیاس‌های فضایی در سطوح مختلف محلی تا کروی در آثار جغرافی دانان نمود داشته است تا دریابند که یک پدیده یا فرآیند در چه مقیاسی بر تصمیم‌گیری‌های انسانی تأثیر می‌گذارد (Pour Ahmad, 2006: 92). مقیاس معانی متنوع و متعددی دارد که از آن میان می‌توان به مقیاس کارتوگرافیکی، مقیاس روش‌شناختی و مقیاس جغرافیایی اشاره کرد. در دانش جغرافیای سیاسی جستار مقیاس ناظر بر برقراری رابطه معنادار میان واقعیت‌های اجتماعی و واقعیت‌های فضایی است و جغرافیدانان سیاسی ناگزیر از گزینش حداقل یک سطح از سطوح این مقیاس‌ها در تحلیل‌ها و پژوهش‌های خود هستند که در ادامه به تشریح آن‌ها پرداخته می‌شود.

۳-۱- مقیاس کارتوگرافیکی<sup>۳</sup>

این نوع مقیاس به خلاصه کردن اندازه و اطلاعات جغرافیایی کره زمین در قالب نقشه‌های کوچک مقیاس، متوسط مقیاس و بزرگ مقیاس می‌پردازد.

۳-۲- مقیاس روش‌شناسی<sup>۴</sup>

در مقیاس روش‌شناسی، مقیاس یک واحد فضایی است که در تحلیل مسائل جغرافیایی به کار می‌رود و جغرافی دانان از آن به عنوان سطح یا واحد فضایی تحلیل استفاده می‌کنند (mirhaider & hamidinia, 2006: 15). این مقیاس در جغرافیای سیاسی به عنوان شیوه طبقه‌بندی اطلاعات و تحلیل داده‌ها به کار می‌رود و به عبارتی نوعی روش‌شناسی مناسب برای گردآوری، طبقه‌بندی اطلاعات و تحلیل اطلاعات به شمار می‌آید.

1 Scale.

2 Representation.

3 Cartographic Scale .

4 Methodological Scale .

۳-۳- مقیاس جغرافیایی<sup>۱</sup>

مقیاس جغرافیایی اصول متفاوتی از دو مفهوم پیشین دارد و چیزی بیش از انتخاب روش شناختی یا مقیاس نقشه است و ممکن است فرایندهای فضایی را در ماهیت خودشان داشته باشند (Smith, 2000: 725). مفهوم‌سازی مقیاس جغرافیایی، فرآیندهای ویژه‌ای را در چشم‌انداز طبیعی و انسانی نسبت به مفاهیم انتزاعی که به مقیاس داده می‌شود به دنبال دارد. به عنوان مثال مقیاس جغرافیایی شهری از سطح تحلیل یا جامعه آماری شهری (مقیاس روش شناختی) و مقیاس کارتوگرافیکی بزرگ مقیاس (که سطح پوشش شهر را می‌توان به آن نشان داد) متفاوت است. بنابراین مقیاس جغرافیایی شهری گویای بازنمایی شهر زنده‌ای است که تحت شرایط تاریخی و جغرافیایی مشخص موجودیت یافته است و در رابطه تعاملی با دیگر مقیاس‌های جغرافیایی است (Zaki, 2009: 290). اهمیت مقیاس جغرافیایی معطوف به موضوعات محلی و جهانی به عنوان دو قطب مخالف در گستره احتمالات فضایی-اجتماعی است (Johnston & other, 2004: 578). از این رو، می‌توان یک سلسله مراتب نامنسجمی از مقیاس‌های جغرافیایی را به رسمیت شناخت که از سطح فردی، خانه، محله تا سطح محلی، ناحیه‌ای، ملی و جهانی گسترده‌گی و امتداد دارد. در این تحقیق مقیاس‌های جغرافیایی در پنج سطح، مورد مطالعه قرار گرفته است که هر کدام از آنها به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۳-۱- مقیاس جهانی<sup>۲</sup>

مقیاس جهانی یا کروی اساساً در چارچوب مفهوم جهانی شدن<sup>۳</sup> معنا می‌یابد. جهانی شدن یعنی افزایش ارتباطات میان جوامع به گونه‌ای که واقعه‌ای در یک نقطه از جهان، پیامدهایی بر نقاط دیگر برجای می‌گذارد (bilis, 2004: 188). از نظر جغرافیایی امروزه در جهان مدرن یا به اصطلاح جهان سرمایه‌داری هیچ ناحیه‌ای پایدار نمی‌ماند و سرنوشت نواحی سرمایه‌داری، در داخل یک نظام وسیع‌تر جهانی تعیین می‌شود و یا حداقل از اوضاع این نظام تأثیر می‌پذیرند. (Johnston & other, 2004: 29). به عبارت دیگر، مقیاس جهانی، مقیاسی است که در آن اقتصادها، جوامع و فرهنگ‌های آنان بیش از هر زمان به یکدیگر گره خورده‌اند.

---

1 Geographical Scale .

2 World Scale .

3 Globalization.

۲-۳-۳- مقیاس منطقه‌ای<sup>۱</sup>

مقیاس منطقه‌ای، مقیاسی فراملی (فراکشوری) و فرو جهانی است و سطحی از سطوح مقیاس‌های جغرافیای سیاسی به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، شعاع نفوذ مقیاس منطقه‌ای در محدوده منطقه و تعریفی که از حدود آن بدست می‌دهد، متفاوت است. بر این اساس، منطقه شامل بخش‌های پهناوری در فراسوی کشورها است که پویایی ژئوپلیتیک ویژه دارند (Hafeznia & kavianirad, 2004: 51). مقیاس منطقه‌ای به دلیل در بر گرفتن واحدهای سیاسی درون منطقه‌ای و فراملی پدیده‌های ژئوپلیتیک است. بنابراین، یکی از مقیاس‌های عمده جغرافیایی است که با گستره‌های متفاوت، وجود دارد.

۳-۳-۳- مقیاس ملی<sup>۲</sup>

مقیاس ملی یا همان کشور، کارآمدترین مقیاس برای مدیریت و تحلیل مسائل سیاسی و بین‌المللی در چهار سده گذشته بوده است؛ چراکه سایر مفاهیم و موضوعات اساسی مورد بحث در حوزه مطالعاتی جغرافیای سیاسی از جمله ملت، هویت، منافع ملی، ملی‌گرایی، میهن‌خواهی، حکومت، مرکز-پیرامون، امنیت، دموکراسی و انتخابات در پیوند و مقایسه با مفهوم کشور معنا پیدا می‌کنند (karimipour & mohammadi, 2006: 12-13) از اینرو، این مقیاس سطح متوسط و بینابینی میان مقیاس محلی از یک سو و مقیاس جهانی از سوی دیگر است (Johnston & other, 2004: 13). در نتیجه این سطح از مقیاس‌های فضایی کانونی مهم برای اقتدار است کانونی که از ظرفیت لازم جهت تاثیرگذاری بر اجتماعات محلی و عرصه‌های گسترده‌تر بین‌المللی برخوردار است.

۴-۳-۳- مقیاس ناحیه‌ای<sup>۳</sup>

ناحیه گستره‌ای جغرافیایی است که کارکرد و ماهیت آن تابع پویای‌های انسانی است (kavianirad, 2010: 54). این مقیاس، از یکسو تحت الشعاع شرایط و کنش مقیاس کوچکتر از خود، یعنی مقیاس محلی، قرار می‌گیرد و از سوی دیگر از فرایندهای فضایی-سرزمینی گسترده‌تر و بزرگتر از خود یعنی مقیاس‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی متأثر می‌شود.

---

1 Zone Scale.

2 National Scale .

3 Regional Scale .

۵-۳-۳- مقیاس محلی<sup>۱</sup>

اغلب مطالعات، مکان‌ها را به عنوان مقیاس محلی به حساب می‌آورند که بر حسب شهرک، شهر و نواحی وابسته به آن تعریف می‌شوند. به عبارت دیگر چندین خانه، یک محله، کوچه، محلات شهر، بخش غیررسمی سکونت در یک شهر، گتوها، طایفه، قبیله، روستا، شهرستان، دولت محلی و... را می‌توان در مقیاس محلی قابل طرح دانست که فرآیندها و فعالیت‌های سیاسی ممکن است در آن جریان پیدا کند (Hafeznia & kavianirad, 2004: 6). مقیاس محلی در مواقع بسیار در پیوند با اصطلاح دولت محلی است (Zaki, 2009: 105). امروزه دولت‌های محلی پدیده‌های جغرافیایی-سیاسی خاصی هستند که در درون دولت-ملت‌ها شکل گرفته‌اند و در چارچوب سیاست‌های کلان کشوری، در اداره بخشی از سرزمین به سطح کلان که همان واحد کشوری است کمک می‌کنند (Kamran, 2006: 23).

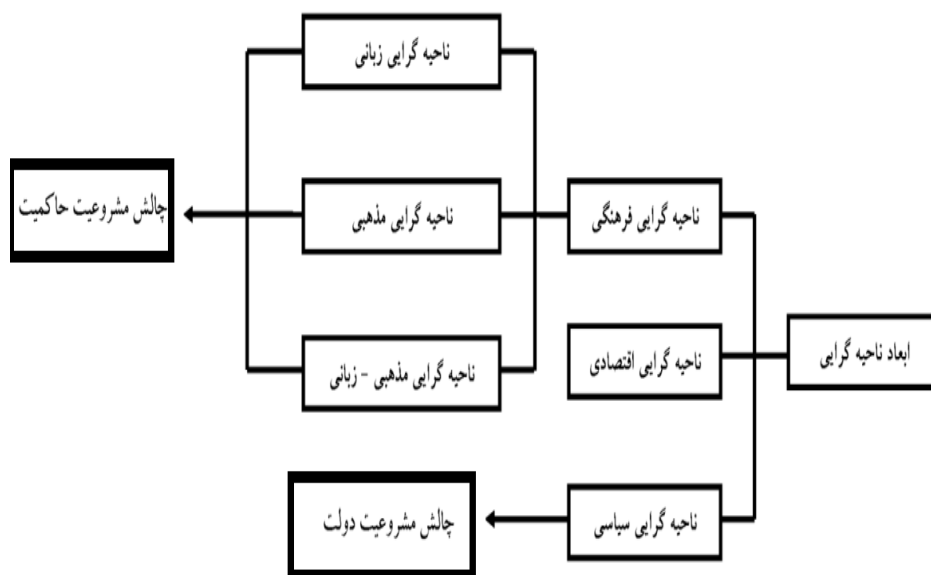
۴- ناحیه‌گرایی<sup>۲</sup>

ناحیه‌گرایی نوعی ابراز بیان ناخرسندی ساکنان یا مردم ناحیه به اقدامات حکومت مرکزی در نادیده انگاشتن یا کم‌توجهی به حقوق و مطالبات آنان دانست؛ زیرا آنها بر این باورند که حکومت مرکزی که معمولاً محصول اراده اکثریت فرهنگی است، مطالبات اقتصادی و فرهنگی‌شان را-که برآیند تمایزات فرهنگی ناحیه‌ی ناهمسان با اکثریت ساکن گستره ملی است-نادیده گرفته است (kavianirad, 2010: 60). در مفهومی دیگر، ناحیه‌گرایی جنبشی است که هدف آن حفاظت و پیشبرد منافع و علایق خاص ناحیه‌ای و تدبیر تنگناهای سرزمینی ناحیه‌ای است که اغلب با احساس هویت جمعی همراه است (lehron, 2001: 401). اصولاً گرایش‌های ناحیه‌گرایانه کارکرد حکومت برای اصل ثبات و بقا ملی را با دشواری همراه می‌کند (Hafeznia & kavianirad, 2013: 234). در این راستا، عوامل متعددی از جمله: وسعت، شکل فضایی دولت، عدم پیوستگی در الگوهای استقرار و سکونت، نابرابری‌های فضایی، اقتصادی، رفاهی و عوامل جغرافیایی در ایجاد روحیه‌ی ناحیه‌گرایی موثر واقع می‌افتد (golmohammadi, 2001: 113). بنابراین مناطقی از کشور که به سبب عوامل انسانی و طبیعی دچار پراکندگی‌اند و در ارتباط و تماس با دولت‌های خارجی بوده و نیز علایق اقتصادی، اجتماعی و نگرش‌های

1 Local Scale .

2 Regionalism

سیاسی متفاوتی نسبت به مرکز دارند را می‌توان در زمره نواحی ناحیه‌گرا به شمار آورد (Dikshit, 1994: 169). ناحیه‌گرایی در کلیت خود نشان دهنده وجود بحران است که مشروعیت نظام سیاسی و دولت را دست کم در مقیاس ناحیه ای به چالش می‌کشاند. عوامل و عناصری که موجودیت ناحیه‌گرایی را در یک واحد سیاسی به وجود می‌آورد، تابعی از شرایط، خصوصیات و ویژگی‌های منحصر به فرد آن ناحیه خواهد بود. به عبارت دیگر، نیروی اولیه حرکت یک جنبش ناحیه‌گرایانه در تمامی کشورهایدرگیر با این پدیده یکسان نیست؛ زیرا خاستگاه آن در هر واحد سیاسی یکسان نبوده و تابعی از شدت و توان یکی از گونه‌های این پدیده و یا در بعضی موارد همه‌آنها بوده است. با توجه به این نوشتار، ناحیه‌گرایی ابعاد مختلفی را در بر می‌گیرد که هر کدام از این ابعاد، معرف و شناساننده ماهیت وجودی فعالیت‌های ناحیه‌گرایانه است. بر این اساس، گونه‌شناسی ناحیه‌گرایی عبارتند از: ۱- ناحیه‌گرایی فرهنگی ۲- ناحیه‌گرایی اقتصادی ۳- ناحیه‌گرایی سیاسی.<sup>۳</sup>



شکل ۱- گونه‌شناسی ناحیه‌گرایی Refrenc: authors

1 Cultural regionalism.

2 Economic regionalism.

3 Political regionalism.

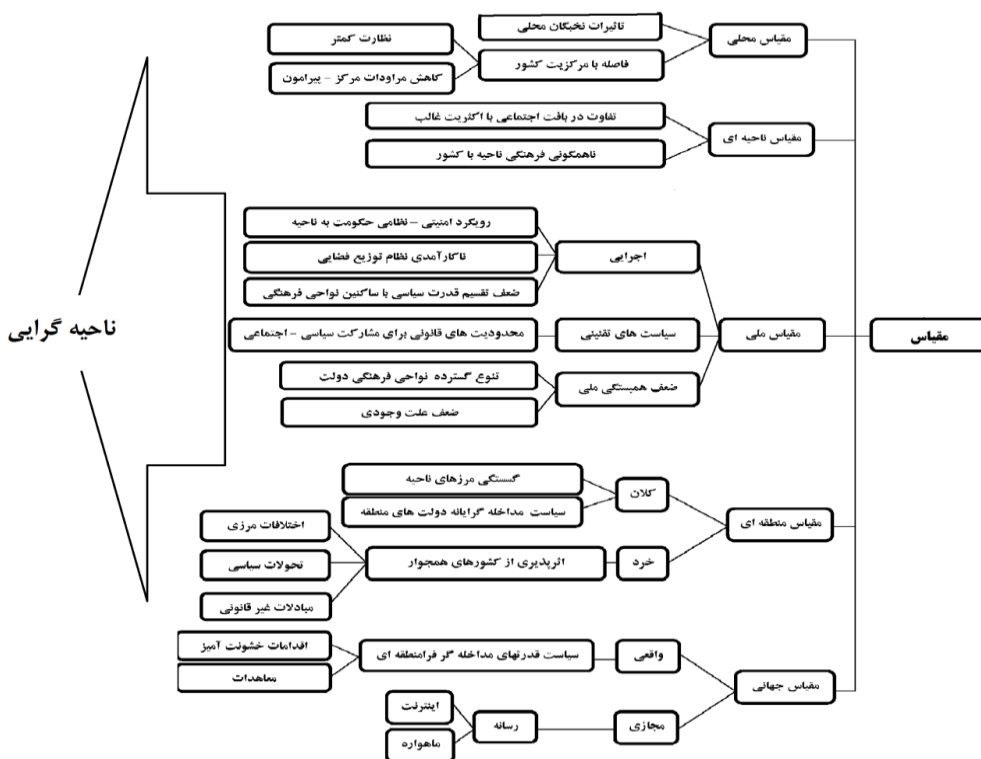


### ۵- اثر مقیاس بر ناحیه‌گرایی

امروزه، از نظر جغرافیایی، هیچ ناحیه‌ای پایدار نیست و سرنوشت تمام نواحی، در داخل یک نظام وسیع‌تر جهانی تعیین می‌شود و یا حداقل از شرایط آن تاثیر می‌پذیرد. از این رو، برخی از مهمترین جنبه‌های وابستگی متقابل میان مقیاس جغرافیایی به واسطه‌ی رابطه میان مقیاس جهانی و محلی تبیین می‌شود. سیاست‌های ناحیه‌گرایی به عنوان شکلی از سیاست سرزمینی شده، موجب ایجاد سیاست مقیاس توسط احزاب قلمرو محور و گروه‌های قومی- فرهنگی و سایر اجتماعات محلی می‌شود. سیاست مقیاس شکل گرفته توسط احزاب، گروه‌ها و افراد مبین این نکته است که منافع اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی به صورت سرزمینی شده تعریف شده است. به عنوان مثال بروز ناحیه‌گرایی در اسکاتلند، بیشتر متأثر از مقیاس ملی بوده است. زیرا، کم اهمیت شمرده شدن اسکاتلندی‌ها توسط حکومت مرکزی (انگلستان) و عدم مشارکت کامل آن-ها در اداره امور سیاسی- که از دید اسکاتلندی‌ها مهم‌ترین معیار بوده- باعث شکل‌گیری اعتراضات و به تبع آن ناحیه‌گرایی اسکاتلند در درون بریتانیا شده است (knight, 1982: 524).

اصولاً مقیاس‌های جغرافیایی، بسته به ابعاد، محل و موقعیت فعالیت‌های ناحیه‌گرایانه، تأثیرات متفاوتی را بر روند شکل‌گیری آن بر جای می‌گذارند. به عبارت دیگر، این امکان وجود دارد که شکل‌گیری ناحیه‌گرایی در یک قلمرو سرزمینی، از تمام مقیاس‌های جغرافیایی جهانی، منطقه‌ای، ملی، ناحیه‌ای و محلی به یک اندازه متأثر نشود و شدت و اثرپذیری آن، بیشتر متأثر از یکی از مقیاس‌های مذکور باشد. با این وجود، در مقیاس جهانی، جهانی شدن در قالب فن آوری اطلاعات و ارتباطات در تشدید احساسات ناحیه‌گرایانه بسیار اثر گذار بوده است. جهان‌گیر شدن ارتباطات، زمینه ساز شکل‌گیری انواع هویت‌های جداگانه قومی و رجوع به ابتدایی‌ترین وفاداری‌های محلی و ناحیه‌ای شده و به موازات آن انواع اختلافات و درگیری‌های قومی را پدید می‌آورد. پیامد طبیعی چنین شرایطی، نمایان شدن ضعف واحدهای سیاسی، گرایش به ارزش‌های فرو ملی و دگرگونی در وفاداری‌ها و هویت‌ها است که زمینه ساز ناحیه‌گرایی در کشور می‌شود. مقیاس منطقه‌ای در قالب خرد و کلان بر ناحیه‌گرایی تأثیر می‌گذارد. در مقیاس منطقه‌ای خرد، کارکرد کشورهای همجوار و همسایه در پیدایش این پدیده مؤثر است. به گونه‌ای که، اختلافات مرزی و قاچاق از عوامل اصلی اختلافات میان دو کشور می‌شود. در نتیجه، دخالت‌های دو کشور در امور همدیگر به رویه غالب در سیاست‌های

خارجی آن دو تبدیل می‌شود. افزون بر این، در این مقیاس تحولات سیاسی در کشورهای همسایه نیز از دیگر عواملی است که می‌تواند تقویت این پدیده را به دنبال داشته باشد. در سطح کلان نیز دنباله ژئوپلیتیکی قومی-مذهبی و سیاست‌های منطقه‌ای مداخله‌جویانه کشورهای منطقه در تشدید ناحیه‌گرایی اثر گذارند. در مقیاس ملی، تصمیمات دولت‌های ملی به واسطه به کارگیری سیاست‌هایی خاص، باعث ایجاد ناحیه‌گرایی می‌شود. رویکرد امنیتی- نظامی حکومت به ناحیه، نبود زیر ساخت‌های قابل پذیرش توسعه‌ای در سطح ناحیه، عدم مشارکت سیاسی- اداری آنها در جامعه از سوی دولت، کم توجهی به نمادهای ناحیه و احیاناً در بعضی موارد بی احترامی به آنها، مقیاس‌های ملی اثر گذاری هستند که در تشکیل و تشدید ناحیه‌گرایی موثرند. در مقیاس ناحیه‌ای و محلی هم تصمیمات نخبگان قومی، طوایف و گروه‌ها به واسطه همسانی‌های طبیعی و فرهنگی در سطح ناحیه که باعث تمایز ناحیه از بدنه اصلی کشور می‌شود در خلق این پدیده نقش می‌آفرینند.



شکل ۲- بنیادهای علت وجودی ناحیه‌گرایی Refrenc: authors

## ۶- بنیادهای ناحیه‌گرایی

### ۶-۱- مقیاس جهانی: رسانه (ماهواره و اینترنت)

جهانی شدن و گسترش فناوری ارتباطات و اطلاعات پیامدهای مهمی در جهان امروز دارد به گونه‌ای که امروزه قدرت‌های جهانی با بهره‌گیری از ابزارهای فراگیر رسانه‌ای می‌کوشند تا با عبور از مرزهای ملی و اثرگذاری در مقیاس‌های جهانی اهداف خود را دنبال کنند. کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا از جمله کشورهای در حال توسعه و برخوردار از ذخائر عمده انرژی هستند که به دلیل مشکلات عدیده بویژه قومی و مذهبی نتوانسته‌اند جایگاه واقعی خود را در عرصه سیاست‌های جهانی پیداکنند و محلی برای رقابت قدرت‌های جهانی شده‌اند. قدرت‌های جهانی در تلاشند تا با بهره‌گیری از ابزارهای فراگیر رسانه‌ای مانند اینترنت و ماهواره و فراهمسازی زیرساخت‌های استفاده از این سیستم‌ها مقدمات دستیابی به اهداف خود را در این مناطق فراهم سازند. به عنوان مثال، استفاده از این رسانه‌ها در ناحیه مورد مطالعه رو به افزایش است به گونه‌ای که شاید نتوان به آمار دقیقی از وبلاگ نویسان بلوچ و حتی وبلاگ‌نویسان در سیستان و بلوچستان دست یافت اما، چیزی که قابل رویت است علاقه‌مندی و ورود نسبتاً خوب مردم بخصوص جوانان بلوچ به دنیای اینترنت است. بدون شک یکی از مهمترین علل گرایش به اینترنت و ظهور قابل توجه وبلاگ‌نویسان در میان مردم این ناحیه‌های توان‌فقدان رسانه ارتباط جمعی در بلوچستان عنوان نمود که این امر در سایر نواحی فرهنگی و اقوام ایران نیز مشاهده می‌شود. نکته قابل توجه دیگر، در میان وبلاگ‌نویسان بلوچ، استفاده از این ابزار برای معرفی فرهنگ، هنر، شخصیت‌های مذهبی - قومی بلوچستان و توانمندی‌های این ناحیه است. به هر حال، امروزه تأثیر این وبلاگ‌ها از حوزه شخصی فراتر رفته و در حوزه‌های مختلف سیاسی، مذهبی، قومی و همگرایی ناحیه‌ای نیز ظاهر شده است. هم‌چنین، در این ناحیه به دلیل ماهیت مذهبی فعالیت‌های ناحیه‌گرایانه و تمرکز اکثریت نخبگان قومی - مذهبی بر روی آن - نسبت به سایر ابعاد ناحیه‌گرایی - بازتاب‌های گسترده‌ای را در دنیای مجازی در پی داشته است. بنابراین، با توجه به جهت‌گیری‌های مطالب‌مندرج در این سایت‌ها و وبلاگ‌ها که بیشتر درون‌مایه مذهبی دارند و نیز، همسو با مذهب رسمی کشور نیستند، دولت در مواجهه با آن‌ها سیاست محدودیت دسترسی به این تارنماها را در پیش گرفته است. در این باره، می‌توان فعالیت سایت‌هایی نظیر: سنی نیوز، سنی

آنلاین یا پایگاه اطلاع رسانی اهل سنت ایران<sup>۱</sup>، اهل سنت<sup>۲</sup>، مدرسه عربیه اسلامی چابهار و غیره اشاره کرد که به بیان دیدگاه‌های دولت در تعامل با اهل سنت، انتشار دیدگاه‌های حاکم بر کشورهای عربی-اسلامی منطقه و نیز پوشش خبری جریان‌های سیاسی در سطح کشور و کشورهای منطقه می‌پردازند. نوع نگرش به این موضوعات به گونه‌ای است که اکثر این سایت‌ها در محدوده سیاست فیلترینگ دولت قرار می‌گیرند. از دیگر ابزارهای رسانه‌ای در ناحیه مورد مطالعه ماهواره‌ها هستند که نسبت به اینترنت برای جهت‌دهی به افکار عموم در این ناحیه اثرگذاری محدودتری دارند. «زیرا شبکه‌های ماهواره‌ای که مختص به مسائل بلوچستان باشد و برنامه‌های آن‌ها در قالب زبان بلوچی، دغدغه بلوچ‌ها را بر روی آنتن ببرد، کم و غیرفعال هستند» (koushki, 2011). بنابراین مقیاس جهانی عمده تأثیرگذاری خود را در قالب اینترنت و سایت‌های فعال در این زمینه به نمایش می‌گذارد. همانگونه که بیان شد، عموماً محور فعالیت شبکه‌ها و سایت‌های گروه‌های ناحیه‌گرا در این خطه از کشور، برخلاف سایر نواحی که غالباً ماهیتی قومی-زبانی دارند، بیشتر رنگ و بوی مذهبی داشته و عمده مسائل مطرح شده در سایت‌ها و وبلاگ‌ها، منعکس کننده کاستی‌های دولت در تعامل با اهل سنت و در مرحله بعد قوم بلوچ است.

#### ۲-۶- مقیاس منطقه‌ای: حمایت‌های مالی و ایدئولوژیکی برخی کشورهای منطقه

این مقیاس در قالب حمایت‌های مالی و ایدئولوژیکی برخی کشورهای منطقه، ناحیه‌گرایی در جنوب شرق کشور را تحت تأثیر قرار داده است. اسلام سلفی که میراث وهابیت در شبه جزیره عربستان است و به گفتمان نوپن‌گرایان و القاعده تسری یافته است؛ در واقع تحولات اجتماعی-سیاسی را ولو به طور ابزاری، با تفاسیر مختلف قرآنی توجیه می‌کند (movassaghi, 2001: 156). این تفکر، ریشه در جریان‌های مذهبی گذشته تاریخ اسلام دارد و با ذهنیتی خاص، با بسیاری از مسائل با عنوان‌هایی چون شرک و بدعت مبارزه می‌کند. سلفی‌ها معتقدند که بازگشت به سنت پیامبر و عمل سلف، یعنی صحابه و تابعین، از عوامل جلوگیری از بدعت است؛ از این رو، سلفیه نامیده می‌شوند (Ebrahimi:2010:181) در حال حاضر پاکستان یکی از پایگاه‌های اصلی تبلیغ و گسترش اندیشه وهابیت پس از عربستان سعودی است. از آنجا که بسیاری از رهبران مذهبی بلوچ در خارج از کشور در کشورهای عربستان، پاکستان و هند تحصیل

1 [www.sunnionline.us/farsi](http://www.sunnionline.us/farsi)

2 [www.ahlesonnat.com](http://www.ahlesonnat.com)

کرده‌اند، متأثر از اندیشه‌هایی می‌شوند که گاه در تعارض با مذهب رسمی کشور است. به گونه‌ای که حتی بعضی از مولوی‌های ناراضی از حکومت فعالیت خود را در کشور پاکستان گسترش داده‌اند. در این خصوص می‌توان حزب الفرقان ایران\_ که تشکلی عمدتاً مذهبی است را نام برد\_ که وابسته به سپاه صحابه پاکستان است (mohagher, 1993: 38). همچنین سرمایه‌گذاری کشورهای عربی منطقه، خصوصاً عربستان سعودی، امارات و قطر در حوزه مذهب و تبلیغ گسترده و هایت تا قبل از به قدرت رسیدن دولت ضیاءالحق در پاکستان، بیشتر معطوف به خود کشورهای عربی بود ولی از این تاریخ به بعد شاهد رشد مدارس مذهبی به ویژه مدارس وابسته به دیوبندی و اهل حدیث در کشور پاکستان هستیم. پاکستان در سال ۱۹۴۷، فقط ۱۳۷ مدرسه مذهبی داشته است اما این رقم در سال‌های ۱۹۶۰ به ۴۰۱، ۱۹۷۱ به ۸۹۳، ۱۹۷۹ به ۱۷۴۵، ۱۹۸۸ به ۳۰۰۰ و در سال ۲۰۰۳ به ۱۰۰۳۴ مدرسه رسیده است (khousravi, 2011: 159). روزنامه پاکستانی «داون» در چاپ ماه می خود در سال ۲۰۱۱ در این خصوص می‌نویسد: «براساس تلگراف یک دیپلمات آمریکایی که پایگاه و یکی لیکس آن را منتشر کرده است، نهادهایی موسوم به نهادهای خیریه اسلامی عربستان سعودی و امارات متحده عربی از باندهایی در پاکستان حمایت مالی می‌کنند که کودکان هشت سال به بالا را برای آنچه شرکت در جهاد خوانده شده استخدام کرده‌آموزش می‌دهند. این روزنامه می‌نویسد که سالانه نزدیک به ۱۰۰ میلیون دلار از ایندو کشور برای این گروه‌ها در پاکستان ارسال می‌شود تا نیروهایی را در ایالت پنجاب پاکستان به خدمت بگیرند» (<http://www.dawn.com>).

بی‌گمان، فعالیت شب که روحانیت سلفی - وهابی به همراه سرمایه‌گذاری‌های هنگفت مالی، گسترش اسلام سلفی را در پاکستان تشدید کرده که به طبع پیامدهای آن کشور ما را نیز تحت تأثیر قرار داده است. این تفکر، در نتیجه همسانی فرهنگی و ارتباط گسترده بلوچستان دو کشور، به ناحیه بلوچستان ایران هم سرایت کرده که منشاء مشکلاتی در حوزه امنیت محلی و ملی شده است. به گونه‌ای که پیدایش گروه‌های تروریستی جندالله و جیش‌العدل در بلوچستان و انجام عملیات‌های انتحاری طی یک دهه اخیر از این زاویه قابل تحلیل است؛ چراکه این گروه‌ها، با وارد کردن گفتمان مذهبی به صحنه درگیری با نیروهای نظامی و انتظامی کشور و خلق حوادثی چون: تاسوکی، بمب گذاری‌های سه گانه در مسجد علی بن ابی طالب (ع) زاهدان، حمله انتحاری به اجتماع روز تاسوعا در سال ۱۳۸۹، انفجار اتوبوس نیروهای سپاه

پاسداران در زاهدان، حمله به بانک انصار و کشتار کارمندان در اثر آتش سوزی و ... سرآغازی است بر اثر بخشی چنین اندیشه‌هایی که این اقدامات را تجویز می‌کنند. بهره‌گیری آنان از واژگان و اصطلاحات دینی و توجیه اقدامات خود با عنوان جهاد علیه جمهوری اسلامی ایران و سیمایی شبیه به نیروهای طالبان و جهادی افغان و نیز صحنه‌آرایی کشتار شبیه به القاعده، شکی در خصوص آموزه‌های برون‌مرزی و متاثر شدن از دیدگاه‌های بنیادگرایی کشورهای منطقه نمی‌گذارد.

### ۳-۶- مقیاس ملی

#### ۱-۳-۶- محدودیت‌های قانونی برای مشارکت کامل سیاسی - اجتماعی

مطابق مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانونگذار ماهیت و جوهر جهت‌گیری‌های نظام را بر مبنای رعایت حقوق شهروندی تنظیم کرده است. این قاعده و اصول در عموم فصول و اصول قانون اساسی از جمله مفاد مربوط به اقوام و اقلیت‌ها رعایت شده که مبنای تدوین سیاست‌های قومی قرار گرفته است. از طرف دیگر روح حاکم بر قانون اساسی بیانگر پذیرش وحدت در تکرر فرهنگی است و ضمن تأکید بر اشتراکات، بر خرده فرهنگ‌ها در چارچوب مشترک مجاز بر تنوع قومی، توجه شده است (salehi amiri, 2008: 452). از جمله اصل‌های قانون اساسی که به اقوام و تنوعات فرهنگی کشور پرداخته بندهای ششم، هفتم، هشتم، نهم و چهاردهم از اصل دوم و اصل‌های دوازدهم، سیزدهم، پانزدهم، نوزدهم و بیست و ششم است (constitution, 2001: 18-27). اصل‌های فوق میدان عملکرد وسیعی را در ارتباط با تنوعات فرهنگی جامعه ایرانی بیان کرده است. اما در عین حال، برپایه اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند، انتخاب گردند: ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مؤمن و معتقد به مبانی و جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور» (previous, 53) مطابق با این اصل از قانون اساسی، رئیس جمهور علاوه بر شرایط مذکور، باید معتقد به مذهب رسمی کشور نیز باشد و از آنجا که در اصل دوازدهم قانون اساسی، «دین رسمی ایران اسلام و مذهب، جعفری اثنی عشری است و این اصل، الی الابد غیر قابل تغییر است»، بنابراین مسلمانان پیرو اهل سنت و پیروان سایر ادیان (مجاز در اصل سیزدهم)، طبق این اصل از قانون اساسی فرصت لازم را برای نمایندگی در انتخابات ریاست

جمهوریندارند. این امر نارضایتی نخبگان سیاسی - مذهبی و روشنفکران جامعه بلوچ را در پی داشته و در کاهش مشارکت کامل سیاسی آن‌ها بی تأثیر نبوده است.

### ۲-۳-۶- ناکارآمدی نظام توزیع فضایی

تمرکز جمعیت، امکانات، خدمات و کارکردهای متنوع در مرکز یا کانون سبب شده نواحی پیرامونی از منابع و امکانات کمتری نسبت به مرکز برخوردار باشند. لذا ضرورت دارد که برنامه‌ریزان در بازنگری کارکردهای فضاهای ملی و ویژه کارکردهای اقتصادی ملاحظات لازم را مورد توجه قرار دهند تا شکاف درآمدی مرکز-پیرامون و نیز تفاوت‌های موجود در خدمات و کیفیات معیشتی آن‌ها کاهش یابد. در این راستا بر پایه همه شاخص‌هایی که برای توسعه طراحی شده‌اند؛ استان سیستان و بلوچستان توسعه نیافته‌ترین استان کشور است. به گونه‌ای که بر اساس گزارش توسعه انسانی سال ۱۳۸۷ به تفکیک استان‌های کشور، استان مذکور با شاخص ۰/۶۴۶، کمترین شاخص توسعه انسانی برآورد شاخص امید به زندگی (۰/۶۹۸)، آموزش (۰/۶۶۵) و درآمد (۰/۵۷۶) را در میان استان‌های کشور دارد. این وضعیت در بخش جنوبی استان (منطقه مکران) شدیدتر است. این در حالی است که میانگین شاخص توسعه انسانی ایران ۰/۷۹۵ است و این شاخص که برآورد سه شاخص فوق‌الذکر است در استان تهران ۰/۸۳۹ بوده که به ترتیب ۰/۸۱۱، ۰/۸۸۵ و ۰/۸۲۳ است (pourtaletie, 2001: 5). بنابراین وجود تفاوت در سطح توسعه یافتگی میان استان سیستان و بلوچستان و سایر نقاط کشور، خودگویای تفاوت در میزان بهره‌مندی و وضعیت برخورداری است. همچنین با توجه به مقوله عدالت توزیعی، روشن می‌شود که آهنگ رشد و توسعه امکانات و زیرساخت‌های لازم برای توسعه همه جانبه نسبت به سایر نقاط کشور روندی ملایم داشته است. این وضعیت کند سرمایه‌گذاری و نیز تلاش محدود دولت در اجرای طرح‌های ضربتی سرمایه‌گذاری در راستای زدودن فقر و محرومیت‌سیمای استان، زمینه‌ها و عوامل وجودی لازم را برای ناحیه‌گرایی اقتصادی در بلوچستان فراهم کرده است.

### ۴-۶- مقیاس ناحیه‌ای

#### ۱-۴-۶- تعارض منافع هویت‌های ناحیه‌ای (سیستانی- بلوچ و شیعه- سنی):

عمده ساکنان ناحیه سیستان، فارسی‌زبان و شیعه مذهب هستند و به لحاظ تاریخی در تمام تحولات درونی جامعه ایرانی از دوران باستان تاکنون نقش عمده و گاه حتی محوری داشته‌اند. امروزه سیستانی‌ها

به لحاظ ارتباطات فرهنگی - سیاسی به دو جهت جغرافیایی؛ جنوب خراسان و زاهدان توجیه می‌شوند. اشتراکات زبانی - مذهبی و موقعیت ژئواستراتژیک سیستان برای تهاجم به شرق از عوامل عمده‌ای است که از دیرباز ارتباط فرهنگی - سیاسی سیستانی‌ها را با جنوب خراسان توجیه می‌کرده است. اما ارتباط با سرحد خصوصاً زاهدان به لحاظ نفوذ سیاسی‌ان‌ها به ویژه پس از انقلاب و در ارکان اداری - سیاسی مرکز استان است (karimipour, 1992: 157). به عبارت دیگر، با استقرار نظام جمهوری اسلامی، تعامل ناحیه مذکور به دلیل تجانس فرهنگی با اکثریت زبانی و مذهبی کشور، باعث شده که اجتماع بلوچ از مشارکت در مدیریت محلی و ناحیه‌ای طرد شود. تداوم چنین وضعیتی، حاشیه رانی جامعه اهل سنت بلوچ را تشدید کرده است. برخی نگرش‌های افراطی نسبت به بلوچ نیز، سبب شده آنان از فرایند مشارکت و برخورداری از فرصت‌های محلی و ناحیه‌ای - دست کم در مقایسه با سیستانی‌ها - به دور بمانند. نکته قابل توجه این است که برخی سیستانی‌ها علت این که اغلب مناصب اجرایی استان را در اختیار دارند، این گونه توجیه نمی‌کنند، چنان که عباسعلی نورا نماینده مردم زابل در هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی در این ارتباط چنین اعتقاد دارد: «... علت بیشتر به کارگرفته شدن سیستانی‌ها در اداره امور استان، مذهبی و قومی نیست؛ بلکه به دلیل بالا بودن سطح سواد و تحصیلات آکادمیک در این ناحیه نسبت به سایر نقاط بلوچستان است» (noura, 2011). این در حالی است که طبق آمارهای موجود، بیش از نیمی از جمعیت بلوچستان با سواد هستند. لذا این تفکر که علت محروم ماندن آن‌ها از مناصب اجرایی، سطح سواد است، بیشتر بر جامعه بلوچستان در دهه ۱۳۳۰ صدق می‌کند. با این وجود دست‌کم پس از انقلاب، بیشتر مصادر اجرایی - اداری استاندار اختیار سیستانی‌ها قرار گرفته و عملاً بلوچ‌ها در مدیریت محلی و برخورداری از فرصت‌های محدود استان کم نصیب مانده‌اند. در این باره، معروف است که در شهر زاهدان به عنوان مرکز استان که جمعیت شیعه و سنی آن را برابر دانسته - اند؛ استانداری آنجا را «سیستان‌داری» می‌نامند (kavianirad, 2010: 235). به هر حال، آنچه که واقعی به نظر می‌رسد آن است که به رغم جمعیت هفتاد درصدی مردم بلوچستان در استان، اکثریت کارکنان ادارات را همان سیستانی‌ها در اختیار دارند که تداوم این جریان علاوه بر نارضایتی بلوچ‌ها نسبت به حکومت مرکزی، به افزایش تنش میان سیستانی و بلوچ نیز دامن زده است.



## ۲-۴-۶- ناکارآمدی نظام توزیع فضایی در سطح استان

اساساً توسعه متوازن و همه جانبه یکی از اصول مهم توسعه پایدار است. توسعه و میزان مناسب برخورداری نیز رضایت شهروندان را به دنبال دارد. این امر در جوامعی که از تنوع فرهنگی برخوردارند؛ اهمیت بالایی دارد. به گونه‌ای که کنش‌ورفتار آن‌ها نسبت به حکومت، تابعی از میزان بهره‌مندی خواهد بود. با استناد به شاخص‌های توسعه در سرشماری‌ها توسط مرکز آمار ایران، در استان سیستان و بلوچستان، توسعه و توزیع امکانات به یک اندازه در میان شهرستان‌های استان مشاهده نمی‌شود. به طوری که در اکثر شاخص‌ها، شهرستان‌های زاهدان و زابل از میزان توسعه بالایی برخوردارند و سایر شهرستان‌ها نیز با اختلاف زیاد در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. بر این اساس، با استناد به چند شاخص توسعه نظیر: آموزش و سطح سواد، بهداشت و درمان، میزان دسترسی به آب و برق در نقاط روستایی، همچنین دسترسی به مراکز خدمات فرهنگی (کتابخانه، سینما و غیره) و امور زیربنایی همچون راه‌های ارتباطی شهری و روستایی، وضعیت استان به شرح زیر است:

از نظر آموزش و سطح سواد، وضعیت به ترتیب بدین قرار است: شهرستان‌های زاهدان ۸۲، زابل ۸۰، ایرانشهر ۷۱، خاش ۶۸، سراوان ۶۷، کنارک ۶۳، سرباز ۵۴، چابهار با ۶۰ درصد باسواد و ... (statistic yearbook, sistan baluchestan division, 2001: 508). ۱۸ مؤسسه فعال درمانی در سال ۱۳۹۰ در استان وجود داشته که در مجموع، ۲۷۳۶ تخت بیمارستانی داشته‌اند که از این تعداد، ۱۲۲۹ تخت در شهر زاهدان و در مرتبه بعد، شهر زابل با ۵۷۳ تخت قرار دارد. مابقی شهرستان‌ها نیز به شرح زیر است: ایرانشهر ۳۳۰ تخت، سراوان ۱۷۸ تخت، خاش ۱۴۶ تخت، چابهار ۲۰۷ تخت و نیکشهر ۷۳ تخت (previous, 554). شاخص بعدی در سنجش سطح برخورداری، میزان دسترسی به آب و برق در نقاط روستایی است که بر اساس سرشماری مرکز آمار ایران از مجموع روستاهای استان ۳۷۴۹ روستا به آب و برق دسترسی داشته‌اند که توزیع آن به ترتیب زیر است: ۵۱۸ روستا در زابل، ۴۹۶ روستا در چابهار، ۵۱۳ روستا در خاش، ۴۹۷ روستا در نیکشهر، ۴۴۹ روستا در سراوان، ۴۰۹ روستا در ایرانشهر، ۳۴۴ روستا در سرباز و ... (previous, 311). شاخص بعدی، سرمایه‌گذاری دولت در بعد فرهنگی است که طبق آمار، تعداد کتابخانه‌های عمومی نسبت به شهرستان‌های استان بدینگونه است: زابل ۹ کتابخانه، زاهدان ۷ کتابخانه، ایرانشهر و خاش هر کدام با ۵ کتابخانه، چابهار و سراوان هر کدام با ۴ کتابخانه

و... شاخص دیگر فرهنگی، تعداد سینماها در سطح استان است که بر پایه گزارش مرکز آمار در سال ۱۳۹۰، در استان فقط یک سینمای فعال وجود دارد که آن مورد نیز در شهر زاهدان قرار دارد (previous, 606). آخرین شاخص، میزان دسترسی به راه‌های ارتباطی در نقاط شهری و روستایی است که بر اساس آن طول انواع راه‌های ارتباطی آسفالتی و شوسه شهری و روستایی زیر پوشش اداره کل راه و شهرسازی در شهرستان‌های مختلف استان به ترتیب زیر است: زابل ۱۲۲۳ کیلومتر، زاهدان ۹۰۳ کیلومتر، خاش ۹۳۴ کیلومتر، چابهار ۶۸۵ کیلومتر، نیکشهر ۷۰۷ کیلومتر، سراوان ۴۶۹ کیلومتر و ... (previous, 382)

در مجموع با نگاهی به شاخص‌ها و مؤلفه‌های ذکر شده در مورد برخورداری و میزان دسترسی مردم به امکانات، این گونه می‌توان گفت که توزیع سرمایه در استان یکسان نیست؛ به گونه‌ای که شهرستان‌های زاهدان و زابل از بیشترین میزان امکانات برخوردارند. برخوردار بودن زاهدان را می‌توان با مرکز استان بودن آن توجیه کرد؛ اما نمی‌توان این قضیه را به زابل نیز تعمیم داد. در نتیجه با توجه به موارد مذکور، می‌توان گفت که ناحیه سیستان بعد از زاهدان، بیشترین موفقیت را در جذب سرمایه و به تبع آن توسعه بدست آورده است. البته این امر را می‌توان به علت در رأس امور بودن سیستمی‌ها در اکثر مصادر و مناصب اجرایی استان توجیه کرد. نتیجه این امر و رسیدگی کمتر به سایر نقاط استان - به ویژه مکران - نارضایتی‌های زیادی در پی داشته و حس تبعیض را در بین ساکنین این ناحیه به وجود آورده است که با توجه به سایر مقیاس‌های اثرگذار از جمله حساسیت به کارگیری بلوچ‌ها در مناصب اداری - سیاسی و احساس سلطه و تسلط سیستمی‌ها بر آن‌ها؛ خواه ناخواه زمینه‌های اختلاف و بی‌اعتنایی به مسائل استانی و گاه کشوری را در میان مردم بلوچستان به وجود آورده است.

#### ۶-۵- مقیاس محلی

##### ۶-۵-۱- ناهمگونی مذهبی با اکثریت

بلوچ‌ها از نظر مذهبی اهل سنت حنفی هستند که از این جهت با مذهب رسمی کشور متفاوت بوده و گاه در تعارض قرار می‌گیرند. تعارض بدین مفهوم که دیدگاه تشیع محور حاکم، مبنای همبستگی ملی را مذهب اکثریت ایرانیان می‌داند و پیروان دیگر مذاهب اسلامی وادیان رسمی کشور را مکلف به پذیرش آن می‌داند و بر اساس نگرش ایدئولوژیک و آرمانگرایی موجود، امنیت ملی به شدت با حفظ و گسترش

آموزه‌های شیعی و جایگاه مذهب تشیع گره خورده است. از طرفی میزان سواد و آگاهی در میان مردم این ناحیه افزایش یافته و به همین دلیل خواهان مشارکت در عرصه‌ها و سطوح مختلف محلی و ملی هستند. این در حالی است که نظام و فرهنگ سیاسی موجود ظرفیت پاسخگویی به این مطالبات فزاینده را ندارد و همین جاست که بنای تعارض نهاده می‌شود (kavianirad, 2011: 195). همچنین از آنجا که اساس هویت در جامعه بلوچ طایفه و مذهب است، لذا به نوعی در برابر هویت اکثریت و حاکمیت قرار گرفته است. از این رو احساس تهدید از چنین وضعیتی، میان دارندگان مذهب مشترک و نخبگان که عمدتاً مولوی‌ها هستند؛ نوعی سرخوردگی، همگونی و همگرایی فزاینده ایجاد کرده است.

### ۲-۵-۶- ویژگی‌های جغرافیایی و بعد مسافت

بلوچستان از نظر موقعیت نسبی و مطلق، ویژگی‌های منحصر به فردی را در میان سایر استان‌های کشور دارد. محرومیت فوق‌العاده در دریافت ریزش‌های جوی، فقر پوشش گیاهی، محدودیت شدید منابع آب، ویژگی دمایی و تبخیر بالا، مخاطرات ناشی از فرایندهای بادی و ماسه‌های روان در سطح مراکز مسکونی و... سخت‌ترین شرایط زیستی را برای سکونت فراهم می‌آورد. افزون بر این، بعد فاصله هم، عامل مهمی است که ارتباط ساکنان این ناحیه را با مرکزیت کشور کاهش داده است؛ به طوری که در بین تمام مراکز استان‌ها، زاهدان با ۱۶۰۵ کیلومتر بیشترین فاصله را با تهران دارد. ویژگی‌های فرهنگی متفاوت جامعه بلوچ با اکثریت فرهنگی کشور؛ بعد فاصله و به تبع آن کاهش مراودات ساکنان این ناحیه با مرکزیت سیاسی کشور سبب شده است که بلوچ نسبت به اهداف حکومت مرکزی چندان خود را موافق نشان ندهد. بر همین اساس، هیچ‌گاه در تحولات بزرگ جامعه ایران خود را شریک نکرده است.

### ۳-۵-۶- بافت طایفه‌ای

وجه مشترک زندگی اجتماعی بلوچ‌ها نظام ایلپاتی بوده است. دلبستگی و تعصب طایفه‌ای چنان در میان بلوچ‌ها عمیق است که خوشنامی و بدنامی، پیروزی و شکست، راستی و ناراستی در امور گوناگون، پیش از آنکه برای او سبب سربلندی و سرافکنندگی باشد، در کارنامه خانوادگی ذات ثبت می‌شود (kavianirad, 2010: 230). ساخت طایفه‌ای و ذات محوری، از ویژگی‌های اصلی جامعه بلوچستان بوده است. این چنین زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، میزان پذیرش و مقبولیت دستورها و فرمان‌های روسای طوایف و مولوی‌ها را نسبت به دستورات حکومت بیشتر کرده و از نفوذ حکومت و کارگزاران

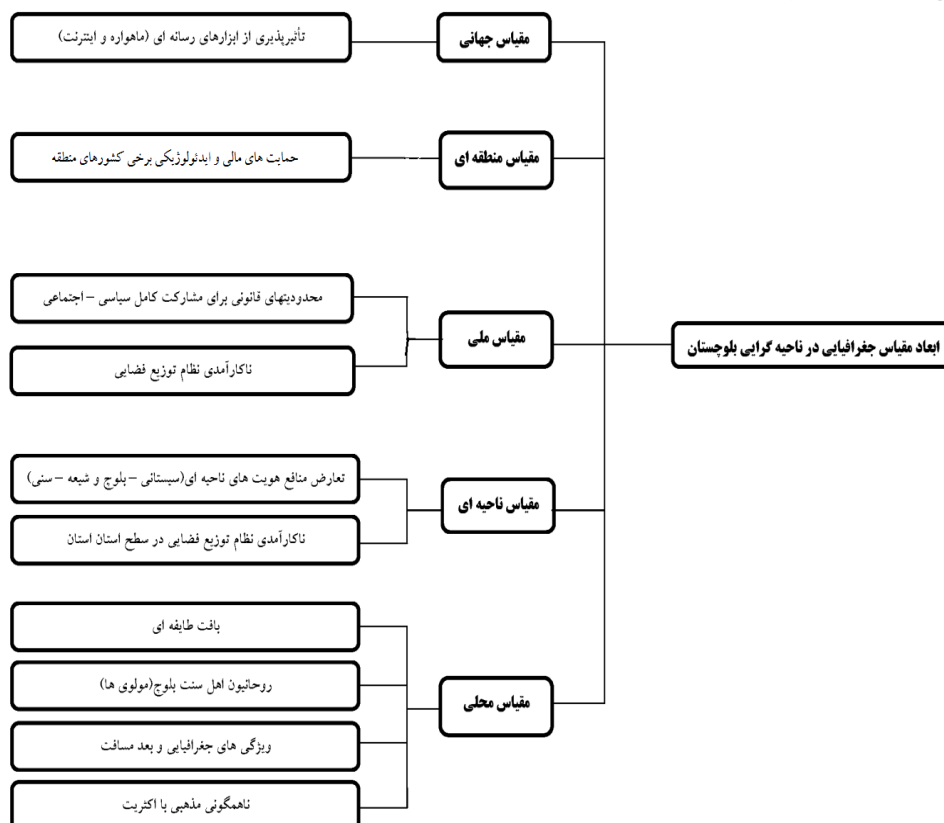
حکومتی در میان مردم کاسته است (Ghalibaf, 1996: 80). چنین همبستگی و پیوستگی طایفه‌ای، کارکرد و نفوذ حکومت مرکزی و پذیرش الگوی شهروندی در بلوچستان را کاهش داده و زمینه همگرایی قومی - طایفه ای و واگرایی از مرکز را به دنبال داشته است.

#### ۴-۵-۶- روحانیون اهل سنت بلوچ (مولوی‌ها)

نخبگان مذهبی بلوچ یعنی مولوی‌ها در مسائل سیاسی، فرهنگی و مذهبی بلوچستان نقش عمده‌ای ایفا میکنند. آنان پیش از انقلاب در دوران چیرگی سرداران طوایف و خوانین بلوچستان، جایگاه اجتماعی - طبقاتی درجه دوم و سوم داشتند. پس از انقلاب، حکومت جدید، سرداران و خوانین را از سلسله مراتب قدرت سیاسی - اداری کنارگذازد که با توجه به جهت‌گیری افکار و شعائر انقلابی و نزدیکی روحیات حکومت انقلابی با روحانیت اهل سنت، مولوی‌ها حلقه پیوند میان مردم و حکومت شدند. مولوی‌ها در نزد مردم و مسئولان استان از جایگاه و نفوذ بالایی برخوردارند. همین جایگاه سبب شده که مردم در هنگامه‌های خاص سیاسی به ویژه انتخابات از آنان پیروی کنند. چنین منزلتی سبب مقبولیت مولوی‌ها در نزد مردم به مراتب بیشتر از مقبولیت حاکمیت شده است (kavianirad, 2011: 199). در این باره می‌توان به آخرین نمونه آن، یعنی ترغیب مردم برای مشارکت فعال در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم در حمایت از نامزدی که نگاه متعادل‌تری را نسبت به اقوام و مذاهب داشت نام برد. هم‌چنین کمک آن‌ها به حل مسأله گروگانگیری سربازان مرزبانی در سال ۱۳۹۳، از دیگر نمونه‌های اثربخشی مولوی‌ها بر افکار عمومی مردم بلوچ - حتی گروه‌های تندرو - بوده است.

بنابراین با توجه به ماهیت دینی و مذهب محور حکومت در ایران بعد از انقلاب و هم‌چنین با توجه به تفاوت‌های مذهبی میان شیعه و سنی، بدیهی است اختلاف نظر و دیدگاه و عملکرد در این حوزه به وجود آید. مولوی‌ها جایگاه خود را به عنوان مراجع در حوزه دین و مذهب می‌دانند و طبیعی است که نسبت به رویکردهای حکومت مرکزی اختلاف نظر داشته باشند. چنین وضعیتی رامی‌تواند رسیاست - گذاری‌های مربوط به کنترل جمعیت در بلوچستان به وضوح دید؛ آنجایی که در کشور این سیاست‌ها به اجرا در می‌آمد، ولی در همان زمان مولوی‌ها با آن به مقابله برخاستند و آن را حرام اعلام کرده و می‌کنند. به هر حال، امروزه مولوی‌ها نقش اصلی خود را در جهت‌دهی به افکار مردم در ناحیه بلوچستان به خوبی ایفا می‌کنند، تا جائیکه دایره نفوذ آنان دیگر محدود به مرزهای بلوچستان نیست؛ و شعاع آن به استان‌های

همجوار نیز کشیده شده است. در مجموع، باتوجه به اثرات مقیاس‌های جغرافیایی بر ناحیه‌گرایی در بلوچستان، این نتیجه بدست می‌آید که ناحیه‌گرایی مذهبی‌در این ناحیه به شدت فعال است و این امر بیشتر به دلیل ویژگی‌های فرهنگی ناحیه، جایگاه مولوی‌ها در جهت‌دهی به تفکرات ساکنین و ناهمگونی مذهبی با دیگر ساکنان کشور است. ناحیه‌گرایی اقتصادی نیز به علت ضعف زیرساخت‌ها و فقر و محرومیت اقتصادی نسبت به سایر فضاها ملی و سرمایه‌گذاری محدود در این ناحیه، فعال است. ناحیه‌گرایی مذهبی-زبانی در بلوچستان نیز، به واسطه ناهمپوشانی دو عنصر زبان و مذهب بر همدیگر فعال نیست. ناحیه‌گرایی زبانی در این ناحیه نیز غیر فعال است و همچنین ناحیه‌گرایی سیاسی، به دلیل ضعف آگاهی و سطح سواد دست‌کم تا چند دهه آینده فعال نخواهد بود.



شکل ۳- پیامدهای ناشی از اثرات مقیاس‌های جغرافیایی در شکلگیری ناحیه‌گرایی در بلوچستان

Refrenc: authors

## نتیجه گیری

ناهمگونی ملی در بعد فرهنگی و سرزمینی، پدیده‌ای رایج در میان کشورهای مختلف است؛ زیرا کشورها آمیزه‌ای از نواحی فرهنگی هستند که این نواحی می‌توانند با هم، پیوستگی‌های تاریخی، اقتصادی، فرهنگی، زبانی، مذهبی و مانند آن را داشته و یا این که نداشته باشند. ایران در طول تاریخ دیرپای خود، متأثر از موقعیت جغرافیای اش، پذیرای سکونت بسیاری از گروه‌های زبانی، مذهبی و قومی در طول تاریخ بوده است. تعامل میان این گروه‌ها و به عبارت دیگر نواحی مختلف، از فرهنگ و مدنیت ایران، فرهنگی متکثر ساخته که آن را از دیگر حوزه‌های فرهنگی پیرامون جدا می‌سازد. ناحیه بلوچستان، واقع در جنوب استان سیستان و بلوچستان، به واسطه ویژگی‌ها و مشخصه‌هایی که در این مقاله اشاره گردید، از مولفه‌های لازم برای ناحیه‌گرایی بهره مند است. در این تحقیق، آثار مقیاس‌های جغرافیایی و ابعاد آن بر این پدیده مورد بررسی قرار گرفت که هرکدام به شکلی متمایز ظهور ناحیه‌گرایی در استان را در پی داشته‌اند؛ مقیاس جهانی، بیشتر تاثیرگذاری خود را بر ناحیه‌گرایی در بلوچستان از طریق ابزارهای رسانه‌ای و در فضای سایبر، به واسطه سایت‌ها و تارنماهای فعال در این حوزه به ثمر می‌رساند. مقیاس منطقه‌ای نیز از طریق حمایت‌های مالی و ایدئولوژیکی برخی کشورهای منطقه در قالب کمک به بنیادهای مذهبی، افزون بر دامن زدن به اختلافات مذهبی میان سنی و شیعه، به تبلیغ اسلام سلفی و به ویژه وهابیت در بلوچستان پاکستان و ایران می‌پردازند که این امر ناحیه‌گرایی شدید مذهبی بلوچستان را در پی داشته است. در مقیاس ملی، قانون اساسی کشور با برخی محدودیت‌های قانونی زمینه مشارکت کامل سیاسی-اجتماعی نواحی فرهنگی کشور را کاسته است که این مساله نارضایتی‌هایی را به دنبال داشته است. همچنین در این مقیاس ناکارآمدی نظام توزیع فضایی در کشور و به تبع آن رتبه پایین استان در تمام شاخص‌های توسعه، در میان سایر استان‌های کشور، عمدتاً ناحیه‌گرایی اقتصادی در این ناحیه را به وجود آورده است. از منظر مقیاس ناحیه‌ای، تعارض منافع هویت‌های ناحیه‌ای و ناکارآمدی نظام توزیع فضایی در استان، زمینه‌ساز ناحیه‌گرایی بوده است؛ چرا که از این نظر سیستانی‌ها به دلیل همگونی با هسته مرکزی کشور، اغلب مناصب‌داری-اجرایی در استان را در اختیار داشته که به تبع آن ناحیه سیستان بعد از مرکز استان، بیشترین میزان توسعه در قیاس با سایر شهرستان‌های استان را بدست آورده است. مقیاس محلی نیز از طریق ناهمگونی مذهبی بلوچستان با اکثریت ملت ایران، ویژگی‌های جغرافیایی و بیشترین بعد فاصله با مرکزیت کشور در میان

سایر استان‌های کشور و در نتیجه کاهش مراودات با مرکز، بافت بسته طایفه‌ای و جایگاه و تاثیرگذاری روحانیت اهل سنت در روند تحولات ناحیه گرایانه در بلوچستان، همه از مواردی هستند که در این مقیاس، ناحیه‌گرایی در این ناحیه از کشور را به وجود می‌آورند.

#### کتابنامه

- Baylis, John., Wirtz, James J., Colin S. Gray., **Strategy in the Contemporary World. An Introduction to Strategic Studies**, translated by B. Khabiri, Second Edition, Tehran, Institute for International Studies and Research of Contemporary Abrar.(2004)
- Cottem, R, Nationalism in Iran, University of Pittsburg.(1979)
- Draysdale, Blake, **The middle east and north africa: a political geography**, Translated by Mirheydar, Tehran, 1995.
- Ghalibaf, Mohammad Bagher, **study the role of geographical factors in security in Sistan and Baluchestan**, MS Thesis geopolitics, Tehran University.(1996)
- Golmohammadi, Ahmad, **Globalization and Identity Crisis**, Journal Nationalstudies, Thirdyear, Winter 2001
- Hafeznia, Muhammad Reza and Kavianirad Morad, **New Theory of Geopolitics**, First Edition, Tehran, Samt Publications.
- Hafeznia, Muhammad Reza and Kavianirad Morad, **Philosophy, Political Geography**, First Edition, Tehran, Publications Strategic Studies, 2013
- Hassani, Hamid. (2001), **Constitution of the Islamic Republic of Iran**, Tehran, first edition, rouzaneh Publications.
- Hogget, Piter. (1996). **A New Combination of Geography**, Volume II, Translated: Shapour Goudarzi Nejad, Samt, Tehran.
- <http://www.dawn.com/news/630599/saudi-arabia-uae-financing-extremism-in-south-punjab>
- ikshit, Ramesh (1994), Political geography, New delhi publisher.
- Interview with phd, Mohammad Koushki, **Faculty member of Tehran University And researcher in the field of national security and Balochistan** (30/9/2011).
- Interview with phd, Noura Abbas ali, **Representative of the city of Zabol in the Parliament**, (25/12/2011).
- Johnston, Ronald and Taylor Peter and Michael Watts, **Geographies of global change**, Translated by Nourian Nasrin, First Edition, Tehran, Publications of the great war, 2004.

- Kamran, Hassan., ghourchi, Qvrchy, Morteza, and Zehtabi, Mona. (2006), **Globalization and Local Government**, Geographical Society's Journal, No. 9
- Karimpour, Yadulla and Mohammadi Hamidreza, **Regionalism and geopolitical divisions of Iran**, First Edition, Tehran, Selection Publication, 2009
- Karimpour, Yadullah, (1992), **geopolitical analysis of the critical areas of Sistan and Baluchestan**, PhD thesis, University of Tarbiat Modarres
- Kavianirad Morad, **Geopolitical function Balochistan Iran-Pakistan relations**, Proceedings of the Iran-Pakistan Strategic Relations, First Edition, Tehran, Institute for Strategic Studies, 2011.
- Kavianirad Morad, **Impact of ICT on land divergence, Case Study: Baloch people**, Report of the Institute for Strategic Studies, September 2005
- Kavianirad Morad, **Political regionalism in Iran, (Case of Balochistan)**, Tehran, Institute for Strategic Studies, Tenth Year, The first number, Spring 2007.
- Kavianirad Morad, **Regionalism in terms of geopolitics**, First Edition, Tehran, Institute for Strategic Studies, 2010.
- khoustravi, gholamreza, **Shiites in Pakistan, Proceedings of the Iran-Pakistan Strategic Relations**, First Edition, Tehran, Institute for Strategic Studies, 2011.
- knight D.B. (1982) **Identity and territory: Geographical perspective on nationalism and regionalism**, annals of the association of American Geographers, 72(1982):514- 531.
- le heron, Richard(2001) **exploration in human geography**, pub: oxford.
- Mirheydar, Dorreh and Zaki, Yashar (2010), **Concept the scale of geographical and importance in the postmodern geopolitics**, Journal Geopolitics, sixth year The first number, Spring 2010
- Mirheydar, Dorreh, hamidinia, hossein, **Geopolitics and International Relations Comparative see the methodology and concepts**, Journal Geopolitics, Number 3, 2006
- Mohagher, Ahmad, **Sectarianism in Pakistan**, Thesis Master degree Political Science Tarbiat Modarres University, 1993
- Movassaghi, Sayed Ahmad, **Contemporary Islamic Movements**, First Edition, Tehran, Samt Publications.
- Muir, Richard, **New Introduction to Geopolitics, translated MirHaider**, First Edition, tehran, Publications Armed Forces Geographical Organization, 2000
- Nabiollah Ebrahimi, **Salafi Islam and globalization security dialogue in the Middle East**, Publications Strategic Studies, Winter 2010
- Pour Ahmad, Ahmad. (2006), **“Territory and geographical philosophy”**, first edition. Tehran., Tehran University Publications.



- Pourtaleie, Fatemeh, **Development status of the provinces in terms of Human Development Index**, The weekly news analysis program, Number 437, 2001
- Salehi amiri, **Proceedings of the National Conference presentations of national unity and cultural diversity**, Tehran, Strategic Research Institute, 2008.
- Shokouhi, hossein, **New trends in philosophy of geography**, first Version, Fifth Edition, Tehran: geographic and cartographic Gytashnasy Institute.
- Smith, n(2000) **scale**, in **R. Johnston & other, The dictionary of Human Geography**, oxford: Blackwell.
- statistic yearbook, sistan baluchestan division**, Department of Statistics and Information Centre statistics, 2001
- Zaki, yashar. (2009), **Scale analyzing interactions in global, national and local political geography Case Study: Aras Free Trade- Industrial Zone**, Tehran, PhD thesis of Tehran University . Supervisors prof Mirheydar, Dorreh and doctor Rasoul Afzali.